

علی بن موسی الرضا(ع)

و سبک زندگی اسلامی در روابط اجتماعی

سیدحسین قریشی کرین* - حمید فاضل قانع** - آرمان فروهی***

چکیده

سبک زندگی، شامل مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش افراد بوده که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی است و از آنجا که آموزه‌های دینی بر شکل‌گیری و تثبیت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اثرگذارند، می‌توان گفت الگوهای رفتاری پذیرفته‌شده در یک گروه اجتماعی، به میزان زیادی متأثر از آموزه‌های دینی و گروه‌های مرجع معرفی‌شده از سوی دین است. نمود آشکار سبک زندگی را می‌توان در حوزه روابط اجتماعی جست که در این زمینه، اسلام بهترین الگوی رفتاری را سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) و خاندان ایشان معرفی کرده است. در این راستا، رفتار و گفتار امام رضا(ع)، به دلیل شرایط خاص اجتماعی ایشان، مورد توجه نوشتار حاضر قرار گرفت. عصر امام رضا(ع) به علت قرار گرفتن در کانون زندگی ایرانیان و وجود حرم مبارکشان در ایران، مورد توجه بیشتری است و الگوگیری از سبک زندگانی ایشان به علت ارتباط روحی می‌تواند اثر فراوانی داشته باشد. مقاله پیش‌رو با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی به این سؤال می‌پردازد که امام رضا(ع) در زمینه آراستگی، هم‌پاری، اخلاق‌گرایی و تعامل فرهنگی در ساحت نظری و عملی چگونه عمل کرده‌اند؟

واژه‌های کلیدی

سبک زندگی، امام رضا(ع)، اسلام، روابط اجتماعی، الگوی رفتار

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۴

*. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور قم

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

*** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۰۸

shquorishi@gmail.com

hamidFazel@Gmail.com

arman.Forouhi@yahoo.com

❖ مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زندگی بشر در جوامع مختلف، همیشه بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معین، نظم و نسق یافته و به طبع همواره می‌توان آنرا واجد سبک دانست.

بر اساس چنین رویکردی، بحث از سبک زندگی و الگوهای نظام‌مند رفتاری، بحث تازه‌ای نیست و حتی در محافل و مجامع دانشگاهی نیز این مبحث در قالب موضوع‌های کلی‌تری مانند فرهنگ و تمدن، دارای قدمتی طولانی است. با توصیف بیان‌شده، جای پرسش دارد که چرا اکنون سبک زندگی تا این حد اهمیت یافته و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است؟

واقعیت آن است که اقتضای زندگی در جوامع مدرن و متکی بر فرهنگ و تمدن غربی، به تدریج الگوهای خاصی را برای زندگی و رفتار ارائه کرده است. به زعم دانشمندان علوم اجتماعی، در یک قرن گذشته، شرایط جدید کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و همچنین فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از اقشار جامعه، نشانه‌ای از تحول عمیق اجتماعی و فرهنگی بوده است و شرایط نوین، الگوهای رفتاری تازه‌ای را در زمینه کار و فعالیت، مصرف و شیوه‌های گذران اوقات فراغت می‌طلبد که می‌توان آنها را در قالب عنوان کلی سبک زندگی مورد بررسی قرار داد.

به همین دلیل، امروزه اصطلاح سبک زندگی^۱ در ادبیات علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، عقیده، شخصیت، هویت، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی خواهد بود که خاستگاه آن، فرهنگ بی‌دین غربی و عقبه معرفتی آن است.

روشن است که پذیرش منفعلانه این گونه از الگوهای رفتاری برای جوامع مسلمان که

1. Lifestyle

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۱

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

خود در پرتو آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نبوده و باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند. به‌ویژه آنکه ناکارآمدی تمدن بی‌دین غربی در پاسخگویی به نیازهای چندبعدی انسان آشکار شده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه‌های افول و فرود این تمدن را نمایان ساخته است.

تجربه تاریخی بشر نیز نشان داده با پایان تمدنی، زمینه مناسبی برای شکوفایی تمدن‌های دیگر فراهم می‌شود و جامعه بشری که معمولاً در برابر تغییر و تحول عمیق اجتماعی مقاوم است، در چنین وضعیتی با رضایت‌خاطر از دگرگونی و جایگزینی استقبال می‌کند. در پرتو چنین فرصتی می‌توان با تکیه بر غنا و تعالی آموزه‌های اصیل اسلامی، این جایگزین را که همچون گنجینه‌ای ارزشمند و برگرفته از میراث آسمانی اسلام نزد مسلمانان نهفته است، هم خود بهتر بشناسیم و هم به جهانیان معرفی کنیم.

بازخوانی و ژرفاندیشی در آموزه‌های اسلام، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این دین آسمانی برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب است، زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این راستا، قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به‌شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام^(ص) نیز به‌عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است.

همچنین روایت‌ها و حکایت‌های فراوانی از اهل بیت^(ع) در اختیار مسلمانان قرار دارد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرایط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از الگوهای زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند، به‌خصوص بهره‌مندی برخی از دوره‌های

تاریخی از تمایزهای ویژه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی، برای زمان حاضر که جامعه اسلامی بار دیگر در دوره گذار قرار گرفته، می‌تواند دستاوردهای بسیار مهمی را در پی داشته باشد.

این مقاله به بررسی سبک زندگی امام رضا^(ع) در ساحت عملی و نظری در چهار مقوله آراستگی، همیاری، اخلاق‌گرایی و تعامل فرهنگی می‌پردازد تا الگویی برای مسلمانان باشد. دوران زندگانی ایشان با توجه به قبول منصب ولایتعهدی و قرار گرفتن در کانون زندگانی ایرانیان می‌تواند الگوی مناسبی به‌ویژه در زمینه تعامل فرهنگی و اخلاق‌گرایی برای ایرانیان باشد.

تبیین الگوی سبک زندگانی امام رضا^(ع) در زمینه‌های یادشده در مقایسه با الگوهای ارائه‌شده غربی از موضوع‌های بدیعی است که کمتر به آن پرداخته شده است، این مقاله ضمن تبیین مفهوم سبک زندگی و الگوهای ارائه‌شده در این زمینه، به بررسی الگوهای رفتاری امام رضا^(ع) که در دورانی مهم از تاریخ اسلام، نماد و الگوی ویژه سبک زندگی اسلامی به‌شمار می‌رود، پرداخته است.

در باره پیشینه موضوع باید گفت که تاکنون مقاله‌ای با عنوان سبک زندگی اسلامی در حوزه روابط اجتماعی با الگوگیری از زندگانی امام رضا^(ع) به چاپ نرسیده، البته مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی درباره الگوی سبک زندگی به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به کتاب‌های دین و سبک زندگی اثر محمدسعید مهدوی کنی، اخلاق تربیتی امام رضا^(ع) تألیف جواد محدثی و مقاله‌هایی چون «سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا^(ع)» اثر یعقوب‌علی عابدینی‌نژاد اشاره کرد.

سبک زندگی دینی

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش افراد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر اینکه بر ماهیت و محتوای خاص

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۳

تعامل‌ها و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت‌ها، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹).

چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر اینکه پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به همراه دارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۸۶ و ۳۳۷؛ گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضاهای جامعه اسلامی برخوردار است.

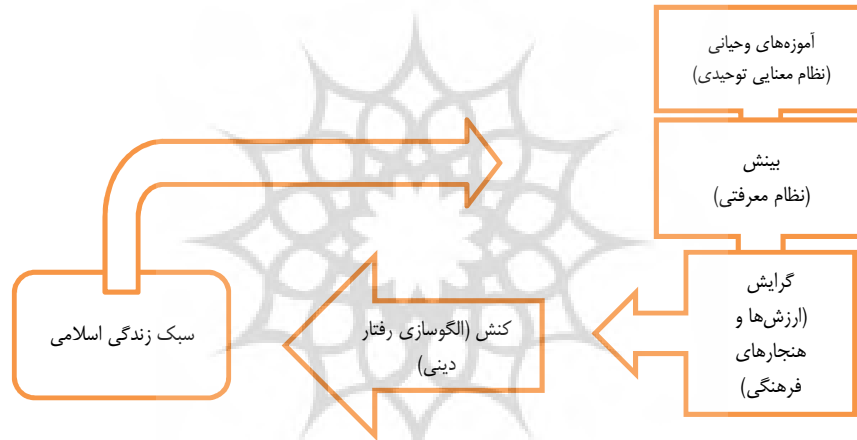
تمرکز اندیشمندان بر شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای مربوط به شیوه تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت، نشان می‌دهد که مطالعات سبک زندگی حول یک محور عمومی با عنوان کلی «سلیقه»^۱ دور می‌زند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

سلیقه، امری ذهنی است که در قالب تمایل‌ها و ترجیح‌های رفتاری انسان جلوه‌گر شده و بدین ترتیب، فرهنگ و اجزای آنکه امری کلی و عمومی به‌شمار می‌آید، در پرتو این تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از سلیقه، فردیت پیدا کرده و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۹۳).

بدین ترتیب می‌توان فرهنگ یا خرده‌فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی دانست (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۸۰)؛ اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی بوده که یکی از مهم‌ترین این عوامل، دین و آموزه‌های وحیانی است.

آموزه‌های دین به‌عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی است. درواقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسان‌ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این

❖ دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن می‌تواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه طولی، دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز به نوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند که خود به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری رسانده و تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از فرهنگ دینی را بارور می‌سازد.



نمودار پدیداری و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه اسلامی

چارچوب نظری

بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه‌های اجتماعی بسنده می‌کنند^۱، با الهام از روش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان گامی فراتر از توصیف نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه‌های اسلامی

۱. برای مثال می‌توان به پژوهشی از ماکس وبر (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴م) اشاره کرد. او با تأکید بر منش پارسایی بخشی از جامعه پروتستان‌ها که موجب پرهیز از مصرف تجملی و در نتیجه، انباشت سرمایه و سازمان‌دهی عقلانی تولید می‌شد، تأثیر یک عامل فرهنگی برآمده از دین را بر نظم اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن توصیف کرده است (رک: وبر، ۱۳۷۴).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۵

وجود دارد، چارچوبی ارائه کرد که در محدوده آن، به تجویز نیز پردازیم، یعنی با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی کمک کنیم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه‌ای است که از سوی پیامبران الهی پیگیری شده است. آنان از ابزار حاکمیت باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آنها با رضایت‌خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام کنند.

اما اینکه آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان معیار در نظر می‌گیریم و درصدد تجویز مفاهیم و شاخص‌های برگرفته از آن برمی‌آییم، مبتنی بر این پیش‌فرض اساسی است که جامعیت دین اسلام، همه ابعاد و زوایای زندگی انسان را دربر گرفته و او را همواره در انتخاب مسیر درست زندگی یاری می‌کند. همین جامعیت باعث می‌شود تا سبک زندگی دینی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری واحد ندانسته و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را بپذیریم.

سیره عملی پیامبر اسلام و اهل بیت^(ع) در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند^۱.

پس، ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد و با توجه به ویژگی انتخابگری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین‌شده دین قرار داشته باشد، یک سبک زندگی دینی به‌شمار آورد. مهم آن است که در فرایند تعامل تمایل‌ها و منابع^۲، از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه‌های

۱. تفاوت‌های موجود در سبک زندگی و الگوهای رفتاری سلمان و ابوذر که پیامبر^(ص) میان ایشان عقد برادری بسته و هر دو را بارها مورد ستایش قرار داده بودند، نمونه خوبی است. ما به هیچ‌وجه در سیره پیامبر اسلام^(ص) نمی‌بینیم که به سلمان توصیه کرده باشند مانند ابوذر زندگی کند و از آن طرف روایت شده که اگر ابوذر از قلب سلمان آگاه می‌شد، بی‌شک، او را نفی می‌کرد (کلینی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۴۵۵). تفاوت الگوهای رفتاری امامان معصوم شیعه^(ع) در شرایط متفاوت اجتماعی نیز گویای همین مدعا است.

۲. تمایل‌ها و ترجیح‌های فردی و جمعی، جهت‌کش را تعیین می‌کنند و منابع در دسترس که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی را پدید می‌آورند، بستر بروز جهت‌کش را فراهم می‌سازند.

❖ مرجع بسیار کارگشاست!

گروه‌های مرجع دارای دو کارکرد اصلی هستند: اول آنکه هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و دوم آنکه معیارهایی را در اختیار کنشگران قرار می‌دهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند (صدیق‌سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

با توجه به این نقش بی‌بدیل، در فرهنگ اسلامی و به‌ویژه در آموزه‌های قرآنی، به افراد و گروه‌های خاصی به‌عنوان الگوی زندگی اشاره شده که در رأس آنها پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان برترین اسوه معرفی شده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [افتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب / ۲۱).

روابط اجتماعی

روابط اجتماعی انسان که در قالب زندگی جمعی جلوه‌گر می‌شود، علاوه بر آنکه نیازهای انسان را بهتر و کامل‌تر تأمین می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۳: ۷۹)، راه رسیدن انسان به سعادت را نیز هموارتر می‌سازد (فارابی، ۱۹۹۱م: ۱۱۷).

پس انسان اجتماعی برای رسیدن به اهداف زندگی جمعی، باید پایه‌ها و ارکان جامعه را تثبیت و تقویت کند تا جامعه‌ای همبسته و متحد شکل بگیرد. به همین دلیل، یکی از اهداف دین اسلام، تحکیم روابط اجتماعی انسان‌ها در تمام سطوح و کاهش تضادها و تنش‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشد و تعهد افراد را نسبت به وظایف متقابل اجتماعی متزلزل می‌کند. مسلمانان نیز باید در شیوه رفتار اجتماعی و روابط با هموعان

۱. گروه‌های مرجع در اصطلاح جامعه‌شناسی به مجموعه‌های انسانی برخوردار از ویژگی‌های خاص از حیث پایگاه، هنجار و نقش اطلاق می‌شود که افراد برای داوری یا ارزیابی خود، آنها را به‌عنوان معیار و میزان، مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، بینش، گرایش و کنش خود را شکل می‌دهند (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۷

خود، از الگوهای رفتار دینی تبعیت کنند تا ظهور اجتماعی دین کامل شود و درهای برکت الهی بر جامعه گشوده شود (اعراف/ ۹۶)^۱، البته بهترین راه برای رسیدن به این مقصود، رجوع به سیره کسانی است که قرآن کریم آنان را الگو و اسوه معرفی کرده است. در این راستا، الگوهای رفتاری امام رضا^(ع) که در دورانی مهم از تاریخ اسلام، نماد و الگوی ویژه سبک زندگی اسلامی به شمار می رود، پیوسته مورد توجه تاریخ نگاران بزرگ مسلمان و غیرمسلمان بوده است.

اگرچه اتخاذ سیاست های مبهم و پیچیده از سوی مأمون، خلیفه عباسی، موجب شد تا برخی گزارش های نادرست از وقایع زندگی امام رضا^(ع) ارائه شود^۲، اما واقعیت های مسلم تاریخی، از موفقیت و مقبولیت سبک زندگی و روابط اجتماعی آن حضرت در میان جمع کثیری از مسلمانان آن روزگار حکایت می کند. استقبال پرشور مردم و به ویژه نخبگان و فرهیختگان جامعه از امام^(ع) در نیشابور (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴۴) و همچنین هیجان و اشتیاق طبقات مختلف اجتماعی در مرو، هنگام استقبال از ایشان برای برگزاری نماز عید (مفید، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۳)، نمونه هایی از دل بستگی عمومی جامعه اسلامی به سیره اهل بیت^(ع) است که در آن روزگار در رفتار و گفتار امام علی بن موسی الرضا^(ع) جلوه گر شد.

این رفتار و الگوهای برآمده از آن، دارای ابعاد، مراتب و لوازم متعددی است که در نوشتار پیش رو مجال توضیح تفصیلی آنها نیست. بنابراین می کوشیم برخی از مهم ترین ابعاد و لوازم روابط اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلامی را در رفتار و گفتار آن امام همام^(ع) جستجو کنیم.

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.»

۲. برای مثال می توان به گزارش طبری و ابن اثیر از واقعه شهادت امام رضا^(ع) (طبری، ۱۴۱۸ق، ج ۷: ۴۷۰؛ ابن اثیر، ۲۰۰۳م، ج ۶: ۳۵۱) و نیز تحلیل احمد امین درباره پذیرش ولایتعهدی مأمون از سوی ایشان (فضل الله، ۱۴۲۸ق: ۱۹۲-۱۹۱) اشاره کرد.

❖ ۱. آراستگی

یکی از الگوهای رفتاری برجسته در زندگی امام رضا^(ع) توجه ویژه به آراستگی ظاهر در روابط اجتماعی و هنگام مواجهه با هموعان است. روایت‌ها و حکایت‌ها نشان می‌دهند که هرچند منش آن حضرت در خلوت و هنگام دوری از اجتماع، بی‌توجهی به زخارف دنیا و اکتفا به ساده‌ترین خوراک و پوشاک بود؛ اما در روابط اجتماعی و هنگام حضور در میان مردم، به وضعیت ظاهری و آراستگی خود توجه ویژه‌ای داشتند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۲).

از تلاش و جدیت امام^(ع) در اتخاذ این روش، می‌توان به این نکته رهنمون شد که آراستگی ظاهر افراد، نوعی تکلیف اجتماعی برای احترام به دیگران است، زیرا اگر سیمای ظاهری انسان، آراسته، پاکیزه و موزون باشد چشم و دل مردم از دیدار انسان شادمان می‌شود و اساس زندگی انسان که بر انس و هم‌گرایی اجتماعی نهاده شده، بدین وسیله تقویت می‌شود. شاید توجه به همین بُعد تکلیفی موجب شده که امام رضا^(ع) اهتمام به زیبایی ظاهری را دارای اجر معنوی دانسته^۱ و ژولیدگی و عدم آراستگی را موجب خشم و غضب الهی معرفی کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۳۰۳).

آراستگی، علاوه بر آثاری که در روابط اجتماعی درون‌گروهی مؤمنان دارد، می‌تواند دارای پیامدها و آثاری فراتر از جامعه‌ایمانی هم باشد، زیرا آراستگی و سیمای خوشایند مؤمنان، شکوه و زیبایی جامعه اسلامی را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، زمانی که از امام رضا^(ع) درباره پوشیدن لباس‌های زیبا می‌پرسند، حضرت می‌فرماید: «الْبِسْ وَ تَجَمَّلْ؛ بپوش و زیبا بپوش» (حمیری، ۱۴۱۷ق، حدیث ۱۲۹۶: ۲۸۶).

البته روشن است که میزان توجه به آراستگی ظاهر، به‌ویژه در زمینه لباس و پوشش، با

۱. حسن بن جهیم می‌گوید: «نزد امام رضا^(ع) رفتم، ایشان موهایشان را رنگ سیاه زده بودند. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه، موهایتان را رنگ کردید؟ فرمودند: إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْرًا. وَ الْخِضَابُ وَ التَّهَيُّةُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهُ فِي عَفْوِ النِّسَاءِ...» (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۱۱۵۷). در این کلام امام^(ع) به دو موضوع اشاره شده است: اول، اجر معنوی آراستگی؛ دوم، ارزش اجتماعی و تکلیفی آن. به عبارت دیگر، امام هشتم^(ع) با تکیه بر پیامدهای اجتماعی آرایش و آراستگی ظاهر، از جمله تحکیم بنیان خانواده و افزایش پاک‌دامنی همسران، آن را مستوجب اجر و پاداش دانسته‌اند.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۹

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

سطح درآمد و زندگی عموم مردم در جامعه مرتبط است. در گفتار و کردار امام رضا^(ع) نیز این توجه ویژه به اقتضاهای زمانی و مکانی و شرایط خاص اجتماعی را می توان به روشنی مشاهده کرد. از برخی سخنان آن حضرت می توان دریافت که در عصر ایشان، برخی از اقدار جامعه انتظار داشتند ایشان نیز مانند زمان امیرمؤمنان علی^(ع) لباس بپوشند و بسان آن حضرت زندگی کنند؛ اما امام هشتم^(ع) با صراحت در پاسخ آنان به تفاوت دوره ها، زمان ها و اقتضاهای هر زمان اشاره می کنند (طبرسی، ۱۳۷۱: ۹۸).

توجه به همین اقتضاهای اجتماعی موجب شد که امام^(ع) شانه زدن موها و محاسن، خضاب کردن موها، به دست کردن انگشتری و هر چیز دیگری را که بر آراستگی انسان می افزاید (حسینی قزوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۸-۱۰۷) مورد توجه قرار داده و دیگران را نیز به آن توصیه کنند تا جایی که خود، مرغوب ترین و بهترین عطرها را سفارش می دادند (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۱۱۷۸) و خوش بویی و استفاده از عطر را جزء اخلاق انبیای الهی برمی شمردند (همان: ۱۱۷۵).

این الگوی رفتاری علاوه بر بُعد ایجابی و ترویجی، نوعی مبارزه منفی با برخی پندارهای نادرست اجتماعی نیز به شمار می رود. امام رضا^(ع) با اتخاذ این روش نشان دادند که آراستن ظاهر، نافی و ناقض زهد واقعی نیست و تا جایی که آدمی، دل بسته و شیفته دنیا و زخارف آن نشود، می تواند وضع لباس و خوراک خود را متنعمانه اداره کند (فضل الله، ۱۴۲۸ق: ۱۰۲). آنچه در فرهنگ اسلامی به عنوان دنیا نکوهش شده، تمام آن چیزهایی است که انسان را از یاد خدا غافل کند و رنگ و بوی معصیت داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

به عبارت دیگر، دنیا زمانی که هدف اصلی انسان قرار بگیرد و سبک زندگی او را به گونه ای شکل دهد که او را از مقصود اصلی آفرینش دور کند مذموم است؛ اما اگر به عنوان مقدمه و پل زندگی اخروی نگریسته شود، دارای ارزش مثبت خواهد بود. پس دلیلی ندارد مؤمن خود را از نعمت های حلال و پاکیزه الهی محروم سازد، زیرا خداوند این نعمت ها را نیافریده که مؤمن از آنها محروم و کافر، بهره مند باشد؛ بلکه مؤمن به استفاده از

۷۰ ❖ فرهنگ رضوی

این نعمت‌ها، اولی و شایسته‌تر است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۴ق: ۲۵۶).

نقل شده است که گروهی از صوفیان نزد امام رضا^(ع) آمده و با کنایه گفتند:

مأمون با اندیشه خود دریافت که شما اهل بیت^(ع) از همه مردم برای پیشوایی امت سزاوارترید و از میان اهل بیت^(ع)، تو از همه شایسته‌تری. از این رو بر آن شد که امر خلافت را به تو بازگرداند. اکنون امت به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه‌اش خشن و طعم‌اش ساده باشد. بر الاغ سوار شود و از بیمار عیادت کند. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۴۲۳؛ ابن‌صباغ، ۱۳۸۵: ۳۸۹).

اما امام^(ع) که زهد را در این ظواهر نمی‌جستند، فرمودند:

یوسف که منصب پیامبری داشت قبای ابریشمی با دکمه‌های زرد می‌پوشید و در مجلس فرعونیان بر پستی‌های آنان تکیه می‌زد. وای بر شما! جز این است که از امام، قسط و عدل خواسته می‌شود؟ اگر سخن گوید، راست گوید. اگر حکم کند، بر قاعده عدل و داد باشد. اگر وعده کند، انجام دهد؟ همانا خداوند لباس یا طعامی را حرام نفرموده است (همان: ۳۸۹).

امام^(ع) که ذره‌ای دل‌بستگی به دنیا ندارند و سلوک معنوی ایشان با زهد واقعی آمیخته است هنگامی که در خراسان بودند، در روز عرفه، همه مال خود را میان مردم قسمت کردند و در پاسخ کسی که گفت این زیانکاری است، فرمودند: بلکه عین غنیمت است (ابن‌شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا، ج ۴: ۳۶۱).

۲. همیاری

اساس نظام اجتماعی بر تعاون و همیاری نهاده شده و بسیاری از اندیشمندان عقیده دارند فلسفه زیست اجتماعی انسان، عدم توانایی در برآورده کردن تمام نیازهایش است. به‌خصوص هنگام بروز برخی از مشکلات و مخاطره‌های طبیعی، او به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از یاری و کمک دیگران بداند (فارابی، ۱۹۹۱م: ۱۱۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۷). از این رو، جوامع گوناگون همواره در هنگام بروز خطر و مشکلات خاص، به‌وسیله انواع

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۱

و اقسام راهبردها و سیاست‌های گوناگون از اعضای خود حمایت می‌کنند. این سیره تاریخی بشر از سوی اسلام نیز امضا شده است.

یکی از دلایل اهمیت همیاری و تلاش همگانی برای تأمین رفاه عمومی در جامعه، افزایش انگیزه و روحیه لازم و کافی برای حرکت همگان در مسیر رشد، شکوفایی و سعادت بوده و تنها از این راه، تمدنی پایدار پدید می‌آید. به‌خاطر همین اهمیت است که تمام ادیان آسمانی در تعالیم خود، بر این اصل مهم در زندگی اجتماعی تأکید کرده‌اند.

بر اساس این اصل، هر انسان یا گروه توانمندی نسبت به افراد و گروه‌های ناتوان اجتماعی تا مرز رسیدن آنان به توانایی کافی، دارای تکلیف و مسئولیت اجتماعی است. این همیاری تا جایی ادامه دارد که همگان در انجام تکالیف فردی، اجتماعی و دینی خود از امکانات و آمادگی کافی بهره‌مند باشند. یعنی انسان‌هایی نیرومند، سالم، آراسته و استوار شوند و خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، وسایل رفاهی، آموزش و پرورش و رسیدن به دیگر آگاهی‌های لازم برای زندگی را در اختیار داشته باشند.

امام رضا^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «خداوند، توانمندان و برخورداران را مکلف کرده است که نسبت به وضعیت درماندگان و گرفتاران به‌پا خیزند» (صدوق، ۱۳۸۳، ج: ۲، ۹۶).

روشن است که نوع عبارت‌پردازی این‌گونه از آموزه‌های اسلامی، به تکلیف و مسئولیت بزرگ اجتماعی اشاره می‌کند و نمی‌توان صرفاً آن را دستوری اخلاقی و استحبابی تلقی کرد (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۴۲).

در تأیید این دریافت می‌توان به دیدگاه دیگری از امام رضا^(ع) اشاره کرد که در بیان الزام‌های مالی فراتر از زکات، به وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی اشاره می‌کند که از آیه ۲۱ سوره رعد^۱ استنباط می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۸، ج: ۶، ۴۴۴).

اما اساس تأکید آموزه‌های اسلامی بر همیاری و تعاون اجتماعی، مبتنی بر اشتراک تمام

۱. «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند.»

۷۲ ❖ فرهنگ رضوی

انسان‌ها در کرامت ذاتی و در مرحله بالاتر، برادری ایمانی و دینی مسلمانان است. روشن است که چنین باوری در زندگی انسان و روابط افراد تأثیری عمیقی دارد. این اثر را در مشی امام رضا^(ع) نیز به روشنی مشاهده می‌کنیم، آنجا که به تأسی از سیره پیامبر گرامی اسلام^(ص)، برترین مسلمان را کسی می‌دانند که بیش از دیگران نسبت به همیاری اجتماعی کوشا بوده و خیرخواه‌ترین افراد نسبت به برادران خود و جامعه اسلامی باشد (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۴).

همچنین در اندیشه و حدیث رضوی، یاری‌رسانی به مردم و گره‌گشایی از کار آنان، جبران فعالیت در دستگاه حاکمان جور معرفی شده است. چنان‌که در پاسخ به نامه‌های متعدد یکی از این افراد می‌نویسند:

... از بیمی که در این شغل بر خورداری آگاه شدم. اگر می‌دانی که هرگاه مسئول کاری در حکومت شوی، بر اساس دستورهای پیامبر^(ص) رفتار می‌کنی و دستیاران و کاتبان تو از هم‌کیشان تو خواهند بود و هنگامی که مالی به دستت رسید، بخشی از آن را به بینوایان مؤمن می‌دهی تا بدان اندازه که خود مانند یکی از آنان باشی، کار تو در دربار سلاطین با خدمت به برادران دینی جبران می‌شود و گرنه خدمت در دربارها جایز نیست (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۶۴۹).

۳. اخلاق‌گرایی

یکی از عوامل موفقیت هر دین و تثبیت پایه‌های آن در جامعه، نفوذ شاخص‌ها و ارزش‌های آن آئین در باور و اندیشه افراد جامعه و پذیرش عمومی و اجتماعی است. پس زمانی که بیشترین افراد و جوامع یک عصر، آرمان‌های خود را در قالب آموزه‌های یک دین خاص جلوه‌گر بینند و به آن گرایش داشته باشند، بدون تردید آن آیین در نقطه اوج رشد و شکوفایی خود قرار می‌گیرد. بنابراین، نفوذ باور در دل مردم، علاوه بر عقلانیت، می‌تواند بر بُعد اخلاقی و عاطفی آن آموزه‌ها متکی باشد.

در همین راستا، بر اساس گزارش‌های تاریخی، عموم مردم و طبقات گوناگون جوامعی

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۳

که به اسلام گرویدند، بیشتر مجذوب فضائل و مکارم اخلاقی این دین شدند، به خصوص سیره، رفتار خاص و اخلاق گرایی پیامبر گرامی اسلام^(ص) که در رفتار پیروان ایشان نیز اثر گذاشت، باعث گرایش افراد به دین اسلام بود.

قرآن کریم نیز به این ویژگی خاص پیامبر رحمت^(ص) اشاره کرده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَتَنصَحْ لَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شادی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه. در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران / ۱۵۹).

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه / ۱۲۸).

تأکید آموزه‌های اسلامی بر رعایت اخلاق در روابط اجتماعی، حتی در پیروزی‌های گسترده مسلمانان پس از رحلت پیامبر^(ص) نیز اثرگذار بوده و مسلمانان تنها با تکیه بر نیروی نظامی هیچگاه نمی‌توانستند با این سرعت و گستردگی به قلمرو وسیع آن روز خود دست یابند (لوبون، ۱۳۸۰: ۱۴۱ و ۱۴۶-۱۴۵).

روابط اجتماعی مبتنی بر مکارم اخلاقی به روشنی در سیره امامان معصوم^(ع) و به‌ویژه در سبک زندگی امام رضا^(ع) قابل مشاهده است، چنان‌که درباره مشی اخلاقی آن ایشان گفته شده:

هیچگاه با سخنان خود کسی را آزار نمی‌دادند. تا سخن کسی به پایان نمی‌رسید، سخن نمی‌گفتند و گفتار او را قطع نمی‌کردند. حاجت هیچ کسی را در صورت قدرت و توانایی رد نمی‌کردند. در حضور دیگران به چیزی تکیه نمی‌دادند و پای خود را نزد کسی دراز

نمی‌کردند. با خادمان و کارگزاران به نرمی سخنی می‌گفتند. هیچگاه از بدنشان بوی بد استشمام نمی‌شد. صدایشان را به حالت قهقهه بلند نمی‌کردند بلکه تبسم می‌کردند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۷).

حضرت، علاوه بر توجه و توصیه ویژه نسبت به روابط درون خانواده و اینکه پاداش تلاش برای برآوردن نیازهای خانواده را برتر از مجاهدت در راه خدا معرفی می‌کردند (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۶۳۶)، در بُعد اجتماعی نیز هیچ کاری را همچون احسان به مردم دوست نداشتند و به هر فقیری در حد توان کمک می‌کردند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۶۰). مهمانان زیادی به خانه امام^(ع) می‌آمدند و ایشان، خود به آنان خدمت می‌کردند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴: ۳۱۶).

اخلاق مداری، در عین اشراف علمی، شرایطی را فراهم آورده بود که خانه حضرت لبریز از خیل مشتاقان و شیفتگان سبک زندگی و الگوهای رفتاری ایشان بود (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۳۴)؛ اما امام^(ع) به این میزان نیز بسنده نکرده، در تاریکی‌های شب، خود به سراغ نیازمندان جامعه رفته و به ایشان انفاق می‌کردند و در این الگوی رفتاری تا حدی کوشا بودند که ایشان را «کثیر المعرفة و الصدقة» معرفی کردند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۸).

اوج فروتنی و مردم‌داری امام هشتم^(ع) را از این گزارش تاریخی می‌توان دریافت که مردی در حمام از ایشان خواست تا بدنش را مالش دهند و حضرت با فروتنی پذیرفتند. هنگامی که دیگران آن مرد را متوجه کردند و امام^(ع) را شناخت، با اضطراب و پریشانی پوزش طلبید؛ اما حضرت با ادامه کار، آن مرد را در مقابل شماتت دیگران دل‌داری دادند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۶۲).

چنین الگوی رفتاری، بازتاب روشنی از این آموزه دینی است که تمام انسان‌ها با یکدیگر برابر بوده و برتری، تنها با معیار تقوا به دست می‌آید. به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که امام رضا^(ع) هیچ تفاوتی میان خود و بردگان و غلامان خویش جز به کردار نمی‌بینند و غیر از

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۵

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

عمل، همه امتیازها و نابرابری‌های اجتماعی را منتفی می‌دانند. اگر بر سفره غذا، همه غلامان و حتی دربان و میرآخور را در کنار خود می‌نشانند و با آنان به مهربانی سخن گفته و انس می‌گیرند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۷۰)، برای تبیین و ترویج همین آموزه والای دینی و تلاش برای حفظ کرامت انسان است.

قرآن کریم با صراحت به کرامت ذاتی و تکوینی انسان و برتری او بر بسیاری از موجودات

اشاره کرده است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (اسراء / ۷۰).

بی‌شک مقصود، بیان حال انسان‌هایی بوده که با قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای بعضی از افراد بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳: ۱۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۵).

دین مبین اسلام بر اساس کرامت ذاتی انسان، تمام افراد را برابر و یکسان معرفی کرده و ملاک و معیار برتری را تنها در کرامت اکتسابی انسان می‌داند که آن هم بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند، دانای آگاه است (حجرات/۱۳).

بر اساس این آموزه، جنس انسان‌ها و نژاد آنها خلق خداست و نباید موجب تفاخر یا تحقیر باشد. تفاوت انسان‌ها در شکل، قیافه و نژاد، فعل حکیمانه خدا برای تعارف و شناسایی انسان‌ها نسبت به یکدیگر است. با تکیه بر چنین مبنایی است که پیامبر گرامی اسلام (ص)،

۷۶ ❖ فرهنگ رضوی

به عنوان مصلح اجتماعی تلاش می‌کردند تا ارزش‌های جامعه را جهت‌دهی و اصلاح کنند (کلینی، ۱۴۱۷ق، حدیث ۲۰۳: ۱۵۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، حدیث ۲۵۰۵۵: ۶۸). روشن است که چنین اندیشه‌ای نمی‌تواند صرفاً تصویری ذهنی باشد، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس در پی خواهد داشت، چنان‌که یکی از همراهان امام رضا^(ع) در سفر به خراسان نقل می‌کند:

روزی وقتی سفره غذا را برای ایشان گسترزند، حضرت تمام خدمتگزاران را جمع کردند. به ایشان گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست برای اینان سفره جداگانه‌ای گسترده شود؟ امام^(ع) فرمودند: خدا و مادر و پدر همه ما یکی است و پاداش افراد به عمل آنها بستگی دارد. هر کس عملش بهتر، نزد خداوند مقرب‌تر است، هر چند غلام سیاه باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۱).

۴. تعامل فرهنگی سازنده

اسلام با تکیه بر ارزش‌هایی مانند برابری و برادری، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، تعلیم و تعلم و ترک تعصب قومی و مذهبی، زمینه شکل‌گیری و رشد تمدنی با درون‌مایه‌های غنی را فراهم ساخت که خدمات و تأثیرهای چشمگیر آن، حتی امروز نیز بر فرهنگ و تمدن بشری پرتو افکننده است (وات، ۱۳۸۹: ۱۶؛ هونکه، ۱۳۸۳: ۴۲۰-۴۱۹). اما یکی از مهم‌ترین عناصر اثرگذار بر رشد سریع تمدن اسلامی، توجه ویژه مسلمانان به عنصر ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بود. عنصر ارتباط، همواره یکی از اصول مهم در شکل‌گیری، گسترش و نیز انتقال فرهنگ و تمدن‌ها به‌شمار می‌رود. آموزه‌های اسلامی نیز به پدیده تعامل فرهنگی با دیگران به دیده مثبت می‌نگرند. برخی از پژوهشگران غربی هم که تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دادند، با صراحت اعلام می‌کنند: «پیشرفت یا

۱. شاید بتوان در این زمینه به یک قاعده کلی قرآنی اشاره کرد که در این مسئله نیز می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْآلِبَابُ» (همان) کسانی که به سخن (ها) گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا راهنمایی‌شان کرده و فقط آنان خردمندان هستند» (زمر/ ۱۸).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۷

عقب ماندگی اقوام مختلف ... به مناسبات آنان با سایر ملل در طول تاریخ خویش مربوط می شود» (بارتلد، ۱۳۸۳: ۱۳).

همچنین روشن است که در پیش گرفتن سیاست ریاضت فرهنگی و نبود تعامل فرهنگی سازنده با دیگران، موجب خامی، رکود، سکون و عدم تکامل فرهنگ می شود، چنان که اعراب پیش از ظهور اسلام، به سبب سکونت در بادیه و کوچ مداوم به مناطقی که دور از فرهنگ های مجاور بودند، به نوعی از عزلت گرایی فرهنگی دچار شده و بیشتر در بدویت فرو رفته بودند (شکویی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، اما ظهور اسلام، این جامعه را دگرگون و متحول ساخت.

گرایش ذاتی دین اسلام به جهانی شدن^۱، اقتضا می کند که آموزه های اسلامی از حداکثر نفوذ در سایر فرهنگ ها و همچنین از هم پوشانی کافی با شاخص های اساسی فرهنگ در هر جامعه ای برخوردار باشد. این مهم، توسط محکومات و اصول ثابتی که در دین اسلام بر آنها تکیه و تأکید شده است تأمین می شود.

به عبارت دیگر، می توان آموزه های اساسی اسلام را وجه مشترک تمام ادیان توحیدی دانست^۲. اما در قبال سایر اندوخته های مادی و معنوی فرهنگ ها و آیین ها نیز آموزه های اسلامی نه تنها رویکرد امتناعی نداشته، بلکه هرگاه عناصر فرهنگی و تمدنی جوامع بشری بر پایه های عقل و خرد استوار بوده و با نگرش توحیدی سازگاری داشته، از سوی اسلام پذیرفته شده و برخی از موارد نیز با حفظ عناصر مثبت و سازنده آن در چارچوب اسلامی بازسازی شده است.

درواقع، اسلام به دلیل برخورداری از پشتوانه معرفتی غنی، هرگونه تحول فکری مثبت و

۱. این نکته را می توان از آیه ۱۹ سوره انعام دریافت کرد، آنجا که می فرماید: «... و اوحی الی هذا القرآن لئنذرکم به و من

بَلِّغْ...؛ و این قرآن بر من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را که (این قرآن به او) می رسد هشدار دهم.»

۲. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «شَرَعَ لَکُم مِّنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا وَ الَّذِیْ أَوْحِیْنَا إِلَیْکَ وَ مَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَ

موسى و عیسی...؛ برای شما از دین مقرر کرد آنچه را که نوح را بدان سفارش کرده و آنچه را به سوی تو وحی کردیم و آنچه را

که ابراهیم، موسی و عیسی^(ع) را بدان سفارش کردیم.» (شوری / ۱۳).

مبتنی بر عقل سلیم را تشویق کرده و هیچگاه به خاطر ترس از تضعیف جایگاه خود در برابر تحولات فرهنگی، به محافظه‌کاری روی نیاورده است (صدر، ۱۳۷۹: ۴۹).

بنابراین، ویژگی خاص تعامل اسلام با سایر فرهنگها در این است که مسلمانان تلاش می‌کردند با تکیه بر عناصر بنیادین آموزه‌های اسلامی و در چارچوب الگوی توحیدی اسلام، به گزینش عناصر فرهنگی و تمدنی سایر جوامع اقدام کنند. بهره‌مندی آموزه‌های اسلامی از چنین الگوی مترقی و کارآمد موجب شده است تا آیین اسلام همواره و به آسانی با مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی سازگار شده و با اطمینان لازم و کافی، پیروان خود را به تعامل فرهنگی گسترده با سایر تمدن‌ها و فرهنگها دعوت و از این راه، خود را به‌عنوان آیینی فراگیر و جهان‌گستر معرفی و تثبیت کند.

به‌عبارت دیگر، در آموزه‌های اسلامی و به‌خصوص قرآن‌کریم، توانمندی خاصی وجود دارد که می‌تواند انسان را تا فرجام تاریخ، هدایت و راهنمایی کرده و دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر را در چارچوب کلان اسلامی، جهت‌دهی کند. شاید بتوان همین نکته را دلیل ختم نبوت پس از ظهور اسلام دانست.

به‌کارگیری الگویی که ذکر آن گذشت، لوازم مهمی دارد. یکی از آنها، مدارا و تحمل دینی و اجتماعی است. در همین راستا، اسلام، دین سهل و سنج و رحمت و رأفت معرفی شده و در تعالیم و دستورهای خود، اصل را بر آسان‌گیری و سهولت قرار داده است. در قرآن‌کریم نیز توصیه شده است در مواجهه با دیگران، عفو، صفا و مدارا رعایت

شود:

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَيُقْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و سرمایه‌داران و
 فراع دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان، تهیستان و مهاجران راه خدا
 دریغ ورزند. باید عفو و گذشت کنند، مگر دوست ندارید خدا بر شما بیخشايد و

خدا آمرزنده مهربان است (نور / ۲۲).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید، درگذرید و بیامرزید به راستی خدا آمرزنده مهربان است (تغابن / ۱۴).

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به خوبی صرف نظر کن» (حجر / ۸۵).

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَنَا لَعَلَّهٖ يَنْذَكُرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد» (طه / ۴۴).

حال با توجه به توضیح‌های بالا می‌توان نگاه دقیق‌تری به دوران زندگی امام رضا^(ع) و اقتضاهاى آن داشت. آن دوران، با گسترش حداکثری قلمروى حکومت اسلامى مقارن و زمانى بود که متولیان سایر ادیان، تلاش گسترده‌ای را برای صیانت دین و مذهب خود در برابر اسلام و حقانیت آن آغاز کرده بودند. به همین دلیل، سفرای آیینی و هیئت‌های مذهبی گوناگون و متعددی به پایتخت جهان اسلام آمده و با اندیشمندان مسلمان به بحث و مناظره اعتقادی و عقیدتی می‌پرداختند. سیره و الگوی رفتاری امام رضا^(ع) در این حوزه، چارچوب و اساس روابط سازنده و شایسته بین‌المللی را نشان می‌دهد.

احتجاج‌ها و مناظره‌های عقیدتی امام^(ع) با سران مذاهب و نمایندگان مجامع دینی عصر خود، آن‌چنان مستحکم و موفق بوده که اعتراف‌های متعدد مخالفان را در پی داشته است و تسلط ایشان بر مبانی کلامی اسلام و مهارت در مناظره با دشمنان اعتقادی را نشان می‌دهد. ثامن الحجج^(ع) با تلاش گسترده، چارچوب مشی اسلامی در میانه افراط و تفریط گروه‌های گوناگون اعتقادی، علمی و مذهبی را ترسیم کرده و همواره بر بهره‌گیری اصولی از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی تأکید می‌کردند. حدیث سلسله‌الذهب نیز که در نیشابور و در حضور جمع کثیری از مردم و کاتبان حدیث مطرح شد، دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است و

اهمیت توجه به نظام معنایی توحیدی را در تعامل‌های فرهنگی و دوری از افراط و تفریط اعتقادی نشان می‌دهد. نکته مهم آن است که تکثر فرهنگی (ذهبی، ۱۴۲۲ق: ۲۰) پدیدآمده در جامعه آن روز، نه تنها از سوی امام رضا^(ع) مورد نکوهش قرار نگرفت؛ بلکه تلاش‌ها و اقدام‌های ایشان در راستای تبیین چارچوب فکری روشن و صریح آموزه‌های اسلامی، تعامل سازنده با رهبران و نمایندگان فکری ملل و نحل مختلف و شرکت در مجالس بحث و مناظره که عموماً از سوی مأمون برگزار می‌شد، نشان می‌دهد امام^(ع)، فضای پدیدآمده را به نفع جامعه اسلامی و پیشرفت و ارتقای آن دانسته‌اند.

طبیعی است که آغاز فرایند توسعه علمی و فرهنگی در هر جامعه‌ای می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد، چنان‌که در جامعه اسلامی آن روز نیز محافل علمی، آکنده از آراء و نظریه‌های صحیح و سقیم شده و اندیشمندان مسلمان در پاره‌ای از مسائل دچار حیرت و سرگردانی شدند. به همین دلیل، امام رضا^(ع) فارغ از انگیزه‌های دستگاه حاکم عباسی، از فضای پدیدآمده استقبال کرده و هم‌زمان با ورود دانشمندان سایر بلاد و عالمان ادیان دیگر به مرکز جهان اسلام، در مناظره‌ها و مباحثه‌های آنان شرکت کردند و با دفاع عقلانی و منطقی خود از مبانی ناب اسلامی، همه طرف‌های گفتگو را به اشتراک در این روش، وادار کردند که نتیجه قهری آن نیز بسته شدن راه مغالطه و سفسطه در مناظره‌ها بود. بدین ترتیب، امام رضا^(ع) به جامعه علمی عصر خود آموختند که در بررسی افکار و اندیشه‌های گوناگون، خردورزی پیشه کنند تا در پرتو آن به روشنی سره را از ناسره بازشناسند و اندیشه‌ها و مذاهب باطل را شناسایی کنند.

البته مواجهه و تعامل با ادیان و فرق مذهبی، نیازمند تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی آنان است تا بتوان با اطلاع و اشراف درست نسبت به مبانی آنان، به بحث و مناظره پرداخت. از ویژگی‌های عالم آل محمد^(ع) نیز تسلط کامل بر کتاب‌های سایر آیین‌ها بود که هنگام مناظره کاملاً آشکار می‌شد (صدوق، ۲۰۰۹م، باب ۶۵: ۵۲۹ - ۵۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰) و به شهادت دوست و دشمن، در آن زمان، کسی برتر و دانشمندتر از ایشان

نبود (همان؛ ابن‌اثیر شیبانی جزری، ۲۰۰۳م، ج ۶: ۳۲۶).

این اطلاع و آگاهی کامل چنان بود که حضرت با استفاده از متون و کتاب‌های مورد قبول ادیان، بر نبوت پیامبر گرامی اسلام^(ص) استدلال می‌کردند و در این زمینه هیچ راه فراری برای طرف مقابل مناظره باقی نمی‌گذاشتند (صدوق، ۲۰۰۹م: ۵۴۳).

بدین ترتیب، مشی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی که از سوی امام رضا^(ع) پیگیری می‌شد و توجه به واقعیت‌های اجتماعی، از آن حضرت چنان الگویی برای آحاد مسلمانان ساخته بود که تمام نقشه‌های مأمون برای کنترل و کاهش توجه جامعه به ایشان را نقش بر آب ساخت (همان).

رویکرد مذکور می‌تواند برای ما در عصر حاضر گویای این درس باشد که در حوزه تعامل و رابطه با سایر جوامع، مذاهب و گروه‌های فکری نباید سیاست انقباضی در پیش گرفت و جامعه اسلامی را به جامعه‌ای گریزان از تعامل با جهان معاصر تبدیل کرد. بلکه باید از تعامل با جهان استقبال کرده و بکوشیم با فعال کردن محافل علمی و فکری جامعه خود در چارچوب نظام معنایی توحیدی، اندیشه و منش اسلامی خود را به جهانیان عرضه کنیم.

نتیجه‌گیری

مجموعه الگوهای رفتاری که سبک زندگی را پدید می‌آورند، متأثر از تمایل‌ها و ترجیح‌های فردی و گروهی است که به تدریج شخصیت افراد و هویت گروه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. اما این سلیقه فردی یا گروهی، نامحدود نبوده و در چارچوب معینی که توسط ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی ترسیم می‌شود، گزینه‌های خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد. از سوی دیگر، خود فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای آن در جامعه دینی به میزان بسیار زیادی متأثر از باورهای آیینی و آموزه‌های آن خواهد بود.

بدین ترتیب، سبک زندگی در جامعه دین‌مدار، به صورت کاملاً طبیعی ریشه در نظام

معنایی توحیدی و آموزه‌های وحیانی خواهد داشت و الگوهای رفتاری که گروه‌های مرجع مورد تأیید دین ارائه می‌کنند، ساختار سبک زندگی را در آن جامعه می‌سازند.

بر این اساس، در جامعه اسلامی نیز باید آن دسته از الگوهای رفتاری مورد توجه باشند که توسط آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه تعالیم قرآنی، توصیه شده‌اند. در این زمینه، الگوها و اسوه‌های معرفی شده از سوی قرآن، به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) و خاندان مطهر ایشان که از هر پلیدی به دور هستند (احزاب/ ۳۳)^۱، بهترین الگوهای رفتاری را برای سبک زندگی، به‌خصوص در حوزه روابط اجتماعی که از ظرافت و پیچیدگی خاصی برخوردار است، به ما ارائه می‌کنند.

هم‌پوشانی حداکثری ویژگی‌ها و شرایط برخی از دوره‌های زندگی اهل بیت (ع) با شرایط و اقتضاهای معاصر، می‌تواند یکی از دلایل تمرکز و توجه ویژه به الگوهای رفتاری اهل بیت (ع) در آن زمان خاص باشد. به همین دلیل، قرار گرفتن جامعه اسلامی معاصر در دوره گذار تاریخی و فرهنگی موجب می‌شود تا توجه به سبک زندگی اهل بیت (ع) در دوره‌ای مانند عصر زندگی امام رضا (ع) از اهمیت بیشتری برخوردار شود.

در همین راستا، الگوهای رفتاری حضرت در حوزه روابط اجتماعی و در سطوح گوناگون خانوادگی، درون‌گروهی آیینی و مذهبی، رابطه با پیروان سایر ادیان و مذاهب و تعامل فرهنگی با دیگران می‌تواند قالب روابط اجتماعی و سمت و سوی الگوهای رفتاری جامعه اسلامی معاصر را سامان دهد.

آنچه در این نوشتار آمده، تنها بخش اندکی از لوازم، مراتب و ابعاد سبک زندگی برگرفته از الگوهای رفتاری امام رضا (ع) بوده و کار تفصیلی در این زمینه از توان و تخصص یک فرد یا مجموعه‌ای محدود خارج بوده و نیازمند ایجاد طیف گسترده‌ای است. راهی

۱. وَفَرَنْ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ و در خانه‌هایتان قرار بگیرید و مانند
 روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید، نماز برپا دارید و زکات بدهید. خدا و فرستاده‌اش را
 فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۸۳

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

طولانی باید پیموده شود که البته حاصل آن تصویرهایی از جامعه مطلوب اسلامی بر اساس آموزه‌های ناب دینی خواهد بود که اگر به جهانیان عرضه شود، خریداران و مشتاقان بسیاری خواهد داشت که اکنون در خلأ این الگو، راه گم کرده و به سمت و سوهای دیگری روانه شده‌اند.

امام رضا^(ع) به آراستگی روحی و ظاهری سفارش ویژه داشتند که آراستگی اندیشه، گفتار و رفتار از مظاهر آراستگی روحی و مورد توجه امام^(ع) است. شرایط عصر امام رضا^(ع) که حضور اندیشه‌ها و فرق مختلف را می‌طلبید، الگوی‌گیری در زمینه تعامل فرهنگی با ملت‌ها، فرق و گروه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.



منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن اثیر شیبانی جزری، مبارک بن محمد، (۲۰۰۳م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۸۵). *مقدمه ابن خلدون*. مترجم محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۹۴ق). *تحف المقول عن آل الرسول*^(۱). بیروت: للمطبوعات.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، (بی تا). *مناقب آل ابی طالب*^(۲). مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: علامه.
- ابن صباغ، علی بن محمد، (۱۳۸۵). *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة*. قم: المجمع العالمی لأهل البيت^(۳).
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۶ق). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. قم: مجمع جهانی اهل بیت^(۴).
- بارتلد، واسیلی ولادیمیر، (۱۳۸۳). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. مترجم عباس بهنژاد، تهران: امیرکبیر.
- بورديو، پی‌یر، (۱۳۹۰). *تمايز - نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی*. مترجم حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. محقق و نظم عباس رحیمیان، قم: إسرائ.
- حراغملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: آل البيت لإحياء التراث.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۸۵

- حسینی قزوینی، سیدمحمد، (۱۳۸۷). *موسوعة الامام الرضا^(ع)*. قم: ولی العصر للدراسات الاسلامیه.
- حکیمی، محمد، (۱۳۷۰). *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۷ق). *قرب الإسناد*. قم: الثقافة الاسلامیه لکوشانیور.
- ذهبی، عباس، (۱۴۲۲ق). *الإمام الرضا^(ع) سيرة و تاریخ*. قم: الرسالة.
- سیدرضی، (۱۳۷۰). *نهج البلاغه*. مترجم سیدجعفر شهیدی، تهران: انقلاب اسلامی.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: سمت.
- صدر، سید موسی، (۱۳۷۹). *اسلام و فرهنگ قرن بیستم*. مترجم علی حجتی کرمانی. تهران: کتاب آوند دانش.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۳). *عیون اخبار الرضا*. قم: الحیدریه.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۲۰۰۹م). *التوحید*. تعلیق و توضیح علامه مجلسی. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله و سیدضیاء هاشمی، (۱۳۸۱). «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰: ۱۶۷-۱۴۹.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۳). *قرآن در اسلام*. تهران: الإسلامیه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: الإسلامیه.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۱). *مکارم الاخلاق*. قم: شریف رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۸ق). *تاریخ الطبری*. بیروت: للمطبوعات.
- عابدینی نژاد، یعقوبعلی، (زمستان ۱۳۹۲). «سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا^(ع)». *فقه و تاریخ تمدن*، سال ۱۰، شماره ۳۸.
- فارابی، ابونصر، (۱۹۹۱م). *آراء اهل المدينة الفاضلة*. بیروت: دار المشرق.
- فاضل قانع، حمید، (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی». *مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص): ۱۹۳-۱۷۳.

۸۶ ❖ فرهنگ رضوی

- فاضل قانع، حمید، (۱۳۹۲). *سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- فضل‌الله، محمدجواد، (۱۴۲۸ق). *الإمام الرضا(ع) تاریخ و دراسة*. قم: الإسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۲). *اصول کافی*. تهران: اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۷ق). *روضة الكافی*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۶ق). *فروع الكافی*. بیروت: للمطبوعات.
- کونن، بروس، (۱۳۸۰). *مبانی جامعه‌شناسی*. مترجم غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. مترجم ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن اسلام و عرب*. مترجم محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- مجلیسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۸). *اخلاق در قرآن*. نگارش و محقق محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۳۸۳). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. مترجم و شرح هاشم رسولی محلاتی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- مه‌لوی کنی، محمدسعید، (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱: ۲۳۰-۱۹۹.
- وات، موننگری، (۱۳۸۹). *تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی*. مترجم و توضیح حسین عبدالحمیدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- وبر، ماکس، (۱۳۷۴). *اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری*. مترجم عبدالمعبود انصاری. تهران: سمت.
- هونکه، زیگرید، (۱۳۸۳). *فرهنگ اسلام در اروپا*. مترجم مرتضی رهبانی. تهران: فرهنگ اسلامی.